

آخرین مهره و استقرار صلح

تاریخ افغانستان گواه است که استعمار با همدستی استبداد با بر گزیدن آخرین مهره برای استقرار حیات استعماری اش در جنوب آسیا و بخصوص افغانستان یکی از نوکران بومی اش را به تیرکش کمانش گذاشته است.

چنانچه انگلیس از سلاطین (نوکران اش) برای سرکوب قیام ها و ناراضیانش در منطقه آخرین تیر را با سقوط دوره امانی با گذاشتن اولاده یحیا در کمان اش گذاشت و در افغانستان پادشاه ساخت که برای چهار دهه داروی آرامش دهنده موقت را بر شرابین قلب آسیا تزریق کرد.

استعمار گر نوین زیر پرچم داس و چکش برای دموکراتیزه سازی جامعه ای افغانی - بومی و قبیله ایی بیش از یک دهه مهره های شطرنج قدرت را تغییر و تبدیل کرد تا صلح و آرامش را بر افغان زمین بیاورد.

نجیب آخرین مهره اش را قبای اسلام پوشاند و با تغییر سیاست و اندیشه و رنگ بیرق تلاش نمود تا جنبش مردمی را که خود انگیزه در سراسر افغانستان دامنگیر شده بود فروکش دهد.

در مقابل سیا شعار "اسلام در خطر است" را که توسط پلان سازان آینده نگر طرح و پلان شده بود با صندوق های از دالر و سلاح، بدست مشاوران (بخوان اجنت ها) ملبس با لباس های بومی و محلی افغانی در بین جنبش مردم برد و در هر کوه و برزن شعار دین در خطر است را از طریق بلندگویان استعمار درمنابر مساجد خطبه داد و بگوش مردم تبلیغ کرد.

بیسوادی و سطح پایین آگاهی مردم، عدم گردان پیش آهنگ رهبری و شهادت رهبران جنبش آزادی بخش ملی، بدست نوکران هر دو جناح رقیب در جنگ افغانستان (شوروی و امریکا)، عوامل دیگر بودند که جنبش ملی خود انگیزه مردم افغانستان، سمت و سوی اسلامی یافت.

تشکل از دزدان سرگردنه ای داخلی و رهنمان عجم و عرب از بیرون با سلاح و پول امریکا- سعودی بنام مقاومت "اسلامی" با تهدید سلاح برخیزش های خودانگیزه ای مردم در قرا و قصبات کشورچیره شد.

ریختن خون مردم با پرتاپ بم های روسی و خمپاره های هاوان و شلیک راکت و مرمی " جهادیون" از فضا و زمین در کلیه نقاط، افغانستان را به حمام خون مبدل کرد. اصطلاح سیاسی- احساسی که سرخط اخبار جهان شد و ورد زبان سیاست مداران بین الملل قرار گرفت.

قربانی و خون بهای مردم افغانستان سقوط ابر قدرت شوروی و ریختن دیوار برلین را در پی داشت.

ولی در نهایت رهبران جنبش " اسلامی" با عقد تفاهم نامه ای با جنرالان و وزیران ناراض دولت نجیب (که جنایات شان با فرمان دولت تنظیمی ها عفو گردید و از کشور فرار کردند)

سبب شد تا کاروان رهبران جهادی از تورخم عبور و به شهر کابل برسد و با سقوط دولت نجیب ارگ در اختیار خفاشان شب پرست افتاد و پیروزی " انقلاب اسلامی " را با شلیک مرمی ها جشن گرفتند و تاج پوشی کردند.

"قهرمانان " هشت ثوری در همان آغاز برای بدست آوردن غنیمت بیشتر برخ همدیگر سلاح کشیدند و جنگ و یرانگری را در سراسر کشور بمراتب شنیع تر از جنگ های بین تنظیمی دوران " جهاد " بر پا کردند. بخصوص شهر کابل از جنایات شان به تل از خاک تبدیل شد. استعمار همیشه دست مزدورانش را پر از سلاح ساخته و آنها را در میدان رقابت رها می کند تا یکی از آنها وفاداریش را بر او ثابت کند.

رقابت های تنظیمی و کشت و کشتار بی گناهان و عوام و چور و چپاول دارایی های عامه کارد را به استخوان ملت رسانید.

سیا پایش را با شکست ابر قدرت منطقه بیرون کشید و وظیفه اش را به برادران ناتنی - اجنت های همسایه و سعودی سپرد تا برای پایان دادن به منازعات بین التنظيمی نظارت کنند و خود از دور ناظر بر اوضاع افغانستان ماند.

سیا و ای اس ای هر آنچه پول و سلاح بود هیزم تنور جنگ تنظیمی ساختند تا نوکران شان صاحب حاکمیت شود.

پسر لادن با مشوره سیا با همدستی ای اس ای روی شعله های آتش جنگ تنظیمی، پتوی آخوند عمر را هموار کرد و در منابر مساجد " خواب ملا عمرو نصیحت پیامبر " را در خطبه های نماز تبلیغ کردند.

ای اس ای با طلبه های مسلح مکاتب قران خوانی انسوی سرحد و پسر لادن در عقب پرده ، آخوند عمر را بر قندهار امیر ساخت و لشکر طلبه های ای اس ای بر شهرها سیل وار ریختند و گلیم تنظیمی ها را برای یک دهه جمع کردند و امارت اسلامی را بر پا داشتند .

امارت عمر آرامش نسبی را بر کشور آورد که حاصل این آرامش قتل و کشتار عامه، کشتزاران و تاکستان های سوخته ، بستن دانشکده و دانشگاه ها ، حرام کردن موسیقی و تماشای فلم ، علامت گذاری فارقه برای هندوها و ... بمراتب بیشتر از ممنوعیت های دولت برادران جهادی شان بود.

از انجایی که افراطیت ، غلیان های زیرزمینی مقاومت ضد خودش را بیشتر می سازد. شلاق زنی امر بالمعروف در ملا عام ، دره زنی بر شانه های استخوانی ملتی که جز خدا دگر یآوری ندارند، خواب و آرامش نسبی را از ایشان ربود و کاسه ای صبرشان را لبریز ساخت.

اما عراده ای کاروان جنبش خاموشان بی سرپرست و بی رهبر ملت، به باور این که برای رسیدن به نور باید از تاریکی ها گذر کرد ، آهسته می چرخد. جنبش خاموشان به سان ریشه

درخت بین اب زنده است و امید سبز شدن و نوده زدن دارد. جنبش ملی که قرنهایست خواسته تا از زیر تاریکی برای لمس نورسش را بیرون کشد ریشه بری شده است.

جنبش خاموشان بی سر پرست با ریشه بری امید اش را از دست نداده و به باور این که پایان شب سیاه سپید است و شب های یلدایی با شفق خورشید عمر کوتاه خواهند داشت، مقاوم چون سنگ زیرین آسیاب در مقابل ناملازمات ایستاده و تعویض قناعت را به گردن انداخته اند.

افغانستان گره ضعیف و پر ثمر معضلات جهانی شده بود. سیا برای تطبیق سیاست نظم نوین جهانی و سلطه غارتگرانه امپریالیزم و صدور سرمایه و استثمار انسانها در جهان، افغانستان را نشانه گرفت و برای حمله بر افغانستان سه هزار نیویارکی را قربانی داد.

ابر های تیره توسط بم های بی ۱۲ پاره شد و بر آسمان افغانستان شفق کاذب رونما شد و روزنه امید را با دایر کردن کنفرانس بن برخ مردم ستم دیده ما گشود. سیا با تشکیل دولت مختلط از اسکولار- اجنت های- بیرونی و تنظیمی ها- اجنت های- داخلی و فراری، زیر بیرق سه رنگ دولت شاهی، دولت "جمهوری اسلامی افغانستان" را بر "امارت اسلامی افغانستان" واژگون شده، تحمیل و پسرلادن، آخوند عمر و شاگردانش را بر آغوش پرمهر برادر ناتنی اش فراری داد.

سیا نوکراش را با زیور لباس محلی بر عقب میز خطابه سازمان ملل با سپردن پیام صلح دعوت و با پذیرایی در کاخ سفید و ثنا خوانی در مجلس سنا به او شخصیت سیاسی داده و حکومت اش را رسمیت می بخشد.

بیش از چهارده سال استقرار دولت های "موقت" و "انتخابی مختلط و انتخابی سهامی" جیره خواران اجنبی در "نظام دموکراسی و آزادی تجارت و بیان" آزادانه دست به فساد، رشوه خواری، چورو چپاول زدند و صاحب کاخ و ارگاه و بارگاه شدند و بر سر کمک های بین المللی- تحایف التیام بخش زخم های مردم افغانستان - هنوز هم بزکشی دارند.

در نظام باد آورده بی ۱۲ ها، زخم ها و روان مردم نه تنها التیام نیافت بر عکس در نمایش رایگان تیاتر روی جاده ها در انتحار و انفجار، سیل خون شان در دریا های شهرها هنوز هم جاری است.

در سال های پسین آتش جنگ نیابتی، قومی، قبیله ایی و زبانی بیشتر از پیش زباله می کشد. طالب و داعش (مترسک جدید) هیزم های ادامه ای جنگ سرد نوین بین رقبای دیرینه (امریکا- روسیه) افغانها را باز هم گوشت دم توپ انتقام گیری آنها ساخته اند.

روس ها با تسلیح طالبان پای امریکا را در جنگ نیابتی بیشتر میخ کوب کرده و بر دیوار های ویرانه افغان زمین شعار دین در خطر است را دوباره نویسی و برای اعاده ای حقوق سیاسی طالبان، امریکا را روی میز مذاکرات مسکو دعوت نموده است.

امریکا برای خنثی سازی طرح های رقیب با کشیدن بخش از عساکرش دست به مانور زده و برای گرفتن مچ دست حریف اش پلان جدید را روی دست گرفته است. اسم "دشمن" دیرینه اش را که سالهاست برای استقرار نظام اسلامی سینه چاک کرده و جنگیده و در استبداد و

خون ریزی سرامیر عبدالرحمن خان را خاریده است ، از لست سیاه بیرون نمود و او را به کابل فرستاد تا آخرین تیری تیرکش کمان اش سازد.

سیا زمینه های جلوس نوکراش را به ارگ با "انتخابات" مهیاخواهد ساخت و دیر نخواهد بود که تاج امارت را بر سر قصاب کابل خواهد گذاشت.

آیا سیا با این تیر به هدف اش خواهد رسید؟

طالبان از جنگ دست خواهند کشید؟

داعش برای امارت گلبدین بیعت خواهد کرد؟

صلح و آرامش که خواسته ای کافه ملت است برقرار خواهد شد؟

گلبدین از خر افراطیت پایین خواهد آمد؟

جنبش ملی و دموکراتیک دوباره شکل خواهد گرفت؟

تاریخ فردای افغانستان به همه ای این پرسش ها پاسخ خواهد داد.

محمد طاهر

۱۰ می ۲۰۱۷ / ثور ۱۳۹۶